

اقتدارگرایی، وخامت اوضاع و دورباطل خشونت بیکاری در سیاست، مُشت در آستین عُرف و پربادی رویای یک ملت بیدادگری، تک‌سالاری و حاکمیت‌های سیاسی خودسر در کشور

سکوت غیر عادلانه به معنای استبداد و احساسی از ترکیب در دورنج پنداشته می‌شود
سیاست خارجی شکست خورده و چگونگی تغییر قاعده بازی کنونی در کشور ما
فضای راکد و خفقان آور سیاسی کشور و تحریک نیروهای مؤقت مفرزوی
اکثریت قریب باتفاق آنها از خود فرار می‌کردند

خشونت بحالتی از رفتار اطلاق می‌گردد که با کاربرد و استفاده از زور فیزیکی یا غیر فیزیکی یا کلامی، فرد یا گروه خشن خواسته‌های خود را بدیگران تحمیل می‌نماید. خشونت ممکن است در اثر خشم اتفاق افتد. خشونت در زبان فارسی، از نظر لغوی به معنای خشکی، تند و سختی پنداشته می‌شود. هرگونه رفتاری که بهد ف وارد کردن آسیب بیک یا بیش از یک پدیده صورت گیرد، رفتار خشونت آمیز است، رفتار خشونت آمیزی می‌تواند آگاهانه و یا ناآگاهانه اتفاق بیفتد. علت‌های رفتار و عملکرد خشونت آمیز در نوع بشر، غالباً موضوع پژوهش علم روانشناسی و جامعه‌شناسی بوده است. ژان ولوکا زیست‌شناس سیستم اعصاب بدین‌منظور تأکید بعمل می‌آورد که "رفتار خشونت آمیز بمثابة رفتار تهاجمی فیزیکی یا غیر فیزیکی عمدی در مقابل فرد دیگر تعریف شده است." دانشمندان بر این موضوع که خشونت در نوع بشر ذاتی می‌باشد، اتفاق نظر دارند. مشاهدات با ستان‌شناسی مبنی بر درگیری خشونت یا صلحجویی بمثابة ویژگی‌های ابتدایی بشر پیشا تاریخ وجود دارد. از آنجایی که خشونت یک پدیده قابل اندازه‌گیری می‌باشد، روانشناسان تغییرپذیری آنرا، در آنچه شهروندان یک کشور از کُنش‌های فیزیکی عمدی بمثابة خشونت دریافت میکنند، تشخیص میدهند. جنگ و درگیری‌های مسلحانه، بمثابة وضعیتی از نزاع خشونت‌بار درازمدت و گسترده است که شامل دو یا تعداد بیشتری از گروه‌های انسانی می‌شود که تحت فرمان حکومت هستند. جنگ بمنظور حل مناقشات سرزمینی و سایر سببها بمثابة جنگ تهاجمی بقصد فتح سرزمین یا غارت منابع بعنوان دفاع ملی یا بمنظور فرونشا ندن فعالیت‌های جدایی طلبانه بخشی از ملت، انجام شده و از قوه بفعل مبدل میگردد. تکرار خشونت پدیده خطر آفرینی در جامعه محسوب می‌گردد. البته یکی دیگر از علل بروز خشونت در جامعه، کاهش نظارت می‌باشد.

در مورد مسأله مورد بحث حاضر، بایست یاددهانی بعمل آید که شرایط امنیتی در داخل کشور، خطرات موجود ناشی از عملکردهای حاکمان کنونی، سیر حوادث و رویدادها در کشور عزیز ما، بازگویی تصویر تلخی از موجودیت فضای هراس و شکل‌گیری فاجعه و بحران بشری در کشور عزیز ما می‌باشد. به نقل از منابع، گزارش‌گونه‌هایی از وضعیت و چگونگی شرایط امنیتی کشور ما تهیه گردیده و بمفهوم وسیع کلمه نشان‌دهنده این واقعیت می‌باشد که شهروندان کشور عزیز ما با تجربیاتی که از جریان و چگونگی حدود و قایع آموخته‌اند، حق دارند تا بوعده‌های "طالب"‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر و به عفو عمومی اعلام شده توسط "طالب"‌ها پدیده شک و تردید بنگرند، در وضعیت و شرایط فعلی نیز با در نظر داشت چنین وضعیتی که در میهن عزیز ما حاکم است، به تطبیق عملی وعده‌های "طالب"‌ها نمی‌توان امیدوار بود. بر بنیاد گزارش‌های وسایل اطلاعات همگانی، اندکی پس از حاکم گردیدن آنها در کشور، بسیاری از منازل رهائشی شهروندان کشور مورد تلاشی و بررسی‌های گسترده‌ای قرار گرفته، انجام اقدامات تلافی جویانه، ترورهای سازمان یافته و ایجاد فضای هراس و بی‌اعتمادی، بخش دیگری از کارکردها و عملکردهای حاکمان کنونی کشور ما را تشکیل می‌دهد. بر همین بنیاد بنا بر موجودیت واقعیت‌های یاد شده، بسیاری از نیروهای امنیتی سابق کشور، فعلاً لان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق و آزادی‌های بانوان کشور و... هر کدام آنها دلایلی برای نگرانی‌های خویش دارند، چه آنها بگونه‌ای دایمی در معرض انواع گوناگون تهدید و شان‌تاز‌هایی قرار گرفته و همچنان در شرایط وضعیت کنونی برخی از شهروندان کشور بگونه مخفی حیات بسر می‌برند. اما این واقعیت را هرگز نباید فراموش نمود که همچنان قبل از سال ۱۳۹۸ و قبل از بقدرت رسیدن "طالب"‌ها، نیز بانوان کشور بویژه در مناطق و محلات

تحت تسلط آنها، بویژه در عرصه دسترسی با آموزش و بهره مند شدن از خدمات و مراقبت های بهداشتی و مشارکت سیاسی در کشور، در مجموع، از حقوق و آزادی های محدودی برخوردار بودند.

بخاطر ما باشد از زمانی که "طالب" ها بر کشور حاکم گردیدند، در مجموع حمایت ها و کمک های بین المللی بگونه قابل توجهی کاهش بعمل آمد که در نتیجه، چگونگی شرایط زندگی و وضعیت بشردوستانه در کشور ما بگونه وحشتناکی بدتر شده است. در حدود نیم سده درگیری های مسلحانه در کشور، جابجایی ها و نقل مکان شهروندان کشور از یک محل بمحل دیگر، حوادث و واقعه های طبیعی یکی پس از دیگری منجر بآسیب پذیری شهروندان کشور و در مجموع سبب ساز کمبود و حتا نبود منابع اقتصادی شده است. کشور عزیز ما و شهروندان میهن ما در آستانه فاجعه انسانی قرار دارند. کارشناسان چنین می پندارند که فروپاشی سریعتر از آنچه پیشبینی می گردد، اتفاق خواهد افتاد.

پس از بقدرت رسیدن حاکمان جدید کشور، علیرغم وعده ایجاد و پایه گذاری دولت و حاکمیت فراگیر، به تشکیل "امارت اسلامی افغانستان" مبادرت بعمل آمد که بگونه کلی، متشکل از اعضای بلند پایه "طالب" ها بوده، همه علایم و نشانه های دموکراسی و نهاد های دموکراتیک را نابود نموده و در کلیه موارد حیات اجتماعی - سیاسی کشور، اصول و قواعد سختگیرانه شریعت مرعی الاجراً قرار می گیرد. تنبیه بدنی، شلاق زدن ها، قطع اعضای بدن و انجام اعدام ها، بامر عادی در کشور مبدل گردیده است.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که نیروهای امنیتی سابق، خبرنگاران و افراد و اشخاص منتقد حاکمان کنونی، از اهدا ف مشروع "طالب" ها پنداشته می شوند. بانوان کشور نیز از تمامی حقوق اولیه و اساسی شان محروم گردیده و در کلیه عرصه های حیات اجتماعی غایب می باشند. شایان ذکر پنداشته می شود که با تسلط مجدد "طالب" ها و حاکم گردیدن آنها بر سر نوشت شهروندان کشور، نبود آمادگی های لازم و بویژه با قطع کمک ها و مساعدت های کشورها و سازمان های مالی بین المللی، کشور عزیز ما در بحران عمیق اقتصادی و معضلات مالی و انسانی دست و پا می زند.

بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، بتعداد ۹۷ درصد از شهروندان کشور در فقر بسر می برند، ۲۴،۴ میلیون تن آنها به کمک ها و مساعدت های بشردوستانه وابسته بوده و بتعداد ۶ میلیون تن هموطنان ما در آستانه قحطی قرار دارند. کمیساریای عالی پناهنده های سازمان ملل از فرار ۱،۶ میلیون تن از شهروندان کشور، بویژه پس از رویکار آمدن مجدد "طالب" ها در کشور خبر می دهد.

وضعیت بشردوستانه در اراضی متعلق بکشور عزیز ما نهایت شکننده توصیف گردیده است. بر بنیاد گزارش های منتشر شده در پایان سال پار، بگونه مجموعی بتعداد ۴،۵ میلیون تن از شهروندان کشور ما در ایران و بتعداد ۳،۷ میلیون تن هم در پاکستان بسر می بردند. اما در ایام پسین، زمامداران پاکستانی و مقامات دولتی آن کشور با خراج تمامی شهروندان افغانی که در پاکستان موجودند، اقدام نموده که بنحوی از انحاء سبب اعتراض های گسترده ساز مان های حقوق بشری و کشورهای صلحدوست جهان گردید.

چگونگی زندگی پناهنده های کشور ما بویژه در کشورهای یاد شده قبل از اینهم تعریف چندانی نداشت. زمامداران پاکستانی با خراج اجباری مهاجران کشور ما تصمیم اتخاذ نموده و سر از تاریخ اول ماه نوامبر به اخراج شهروندان افغان ساکن در آن کشور آغاز نموده که در گام نخست مهاجران افغان را به بازداشتگاه های موقت انتقال و پس از طی مراحل مورد نظر، باراضی متعلق بکشور ما بازمی گردانند. این پروسه بدون اندکترین وقفه ای همچنان ادامه دارد. رسانه های محلی بر بنیاد اظهارات عثمان انور، بازرس ارشد پولیس ایالت پنجاب، خیرهایی را بر مبنای اظهارات زمامداران پاکستانی به نشر سپرده اند که بر مبنای آنها، مهاجران افغان نخست در بازداشتگاه های موقت جابجا گردیده و پس از انجام بررسی های بایومتریک، از پاکستان اخراج و بکشورشان فرستاده می شوند. نامبرده ادامه داده افزود که اخراج مهاجران افغان از ایالت پنجاب مرحله وار بوده که از تاریخ ۳ ماه نوامبر آغاز گردیده و این پروسه همچنان ادامه دارد. دولت پاکستان گزارش داد که حدود بتعداد ۱،۱ میلیون تن از مهاجران افغان از پاکستان اخراج می گردند، بر بنیاد این تصمیم و با آغاز برگشت مهاجران کشور ما از پاکستان، قطار های طولی از وسایل انتقال آنها در دو جانب مرز صف بسته و بمنتظر عبور از مرز منتظرند.

اما "طالب" ها پاکستان را به دنبال نمودن سیاست های مافیایی متهم نمودند. در ارتباط مسأله یاد شده، سفارت "طالب" ها در اسلام آباد، چگونگی وضعیت را بررسی نموده و اظهار می گردد که در پاکستان از شهروندان مهاجر کشور اخذی هایی صورت می گیرد. بسیاری از آنها حتا با در دست داشتن اسناد رسمی اقامت در آن کشور نیز توسط نیروهای امنیتی پاکستانی دستگیر گردیده، به بازداشتگاه ها فرستاده شده و حساب های بانکی شان نیز مسدود می گردد. در پس اقدامات اینچنینی زمامداران پاکستانی، اهداف آنها بگونه ایی واضح و مبرهن می باشد. زمامداران مستقر در اسلام

آبادر نظر دارند تا با انجام اقدامات سختگیرانه باهدف دوگانه مورد نظرشان نایل گردند، بسخن دیگر یعنی جلوگیری و ممانعت از فعالیت های ضد پاکستانی توسط "تحریک طالب های پاکستان" که بگفته مقامات پاکستانی در اراضی متعلق بافغانستان مخفی بوده و با استفاده از شرایط و موقعیت کنونی، به سازماندهی و انجام اقدامات و تحرکات مسلحانه ای در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان مبادرت می ورزند، این یکی و دو دیگری هم، بدست آوردن معاونت ها و کمک های بین المللی بآن کشور، چون در وضعیت کنونی، پاکستان در بحران عمیق و گسترده اقتصادی - اجتماعی دست و پا زده و بمنظور بقا تلاش می نماید. چنین حدس زده می شود که حاکمان کنونی پاکستان، پروسه اخراج مهاجران افغان را زمانی متوقف خواهند نمود که باهدف دوگانه یادشده نایل گردند.

حاکمان کنونی افغانستان از سایر کشورهای میزبان تقاضاً بعمل می آورند که اخراج مهاجران افغان بویژه در وضعیت و اوضاع و احوال کنونی خودداری بعمل آورده و در مورد با مهاجران کشور از مدارا کار گرفته شود. آنها چنین اقدام دولت پاکستان را محکوم نموده و خواهان تجدید نظر در تصمیم دولت یادشده گردیدند.

چنانچه تذکر بعمل آمد، زمامدارن پاکستانی طرحی را بمنظور اخراج مهاجران و شهروندان خارجی و عودت آنها به کشورهای شان تصویب نمودند. بایست خاطرنشان نمود که زمامدارن اسلام آباد در این میان، قبل از همه، بدنبال تسریع پروسه اخراج شهروندان مهاجر افغان از آنکشور می باشند.

ممتاز ذهرا بلوچ نماینده وزارت امور خارجه پاکستان یادآور شده افزود که جانب پاکستان با برخی از کشورها در زمینه اسکان شهروندان افغان بکشور ثالث همکاری می نماید. بنابراین، در جلسه کمیته عالی پاکستان تصمیم اتخاذ گردید تا در مورد تمامی اتباع خارجی که فاقد مدرک و سند قانونی معتبر اقامت در پاکستان می باشند، بزودترین فرصت ممکن سرزمین آن کشور را ترک نمایند، چه در غیر آن با استفاده از زور و بکارگیری قوه قهریه و با اجبار از آنکشور ناگزیر باخراج خواهند شد.

همچنان در بخشی از فیصله نامه یادشده آمده است که پس از این رفت و آمد و عبور و مرور شهروندان افغانستان از مرزهای پاکستان، صرف در صورت در دست داشتن و موجودیت گذرنامه و ویزه انجام خواهد شد. همچنان یادآوری بعمل آمده که طرح یادشده و چگونگی اجرای عملی با جزئیات آن از جانب دولت پاکستان با مقامات افغان نیز در میان گذاشته شده است.

بربنیاد آمار رسمی منتشر شده، در امتداد یکماه پس از اعلام تصمیم اخراج مهاجران غیرقانونی، تاکنون بیش از ۱۶۵ هزار تن از شهروندان کشورما، سرزمین پاکستان را ترک نموده اند.

تصمیم مقامات پاکستانی مبنی بر اخراج ۱،۱ میلیون تن از شهروندان خارجی عمدتاً شامل حال آنها می خواهد گردید که بگونه غیرقانونی در اراضی متعلق به پاکستان بسر برده و بجرم مشارکت در فعالیت های تخریبکارانه و باتهام فراهم آوری تسهیلات برای تروریست ها مواجه بوده و متهم بسایر فعالیت های غیرقانونی می باشند.

اقدامات یادشده و تصمیم های اینچنینی، قبل از همه وبیش از سایر موارد، متوجه شهروندان کشورما در پاکستان تلقی می گردد، چه بربنیاد گزارش های مقامات امنیتی پاکستان، بتعداد ۷۰۰ هزار تن از شهروندان افغانستان به تمدید اعتبار مدارک اقامت شان در آنکشور مبادرت نورزیده اند.

پیش از این نیز دولت پاکستان قول داده بود تا به شهروندان خارجی مقیم در آن کشور یکماه فرصت دهد تا بگونه داوطلبانه اراضی متعلق به پاکستان را ترک نمایند، چه، در صورت عملی نگردیدن و عدم اجرای بموقع تصمیم یادشده، نهادهای مجری قانون و مقامات امنیتی آن کشور اقداماتی را بمنظور جستجو وردیابی مهاجران و اخراج آنها از اراضی متعلق به پاکستان آغاز نمایند.

یکشنبه ۱۴ ماه عقرب سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۵ ماه نوامبر سال ۲۰۲۳ ترسایی